

جذابیت‌های بی‌پایان محتویات گوشی همراه دیگران برای ما

مریم ملی | روزنامه نگار

عجیب است. آدم دوست دارد به حریم شخصی‌اش احترام بگذارد و به نظرش چیزی مهم‌تر از این مسئله توی دنیا وجود ندارد ولی همین آدم وقتی قرار است حریم شخصی دیگران را به رسمیت بشناسد مرگش است. حریم شخصی مصادیق زیادی دارد که قرار است در این ستون درباره مهم‌ترین مواردش حرف بزنیم. در تاکسی یا اتوبوس نشسته‌اید و بغل دستی‌تان با گوشی همراهش مشغول است. چه سرتان را خم کنید توی گوشی‌اش و چه زیر چشمی، محتوای تلفنش را ببینید در هر صورت به حریم شخصی‌اش پا گذاشته‌اید. این طور وقت‌ها بهتر است به روبه‌رو نگاه یا خودتان را مشغول کاری کنید که بغل دستی‌تان، اطمینان پیدا کند زیر چشمی نمی‌پاییدش. اگر دوست و آشنا خواست از گالری گوشی یا تپلنتش عکسی بهتان نشان بدهد باید منتظر باشید تا خودش عکس را باز کند و به سمت شما بگیرد. باید مراقب باشید از روی کنجکاوی عکس‌های قبلی یا بعدی او را نگاه نکنید، اگر شخص خودش نخواهد می‌گوید عکس‌های قبل و بعد هم مرتبط با همین موضوع است و می‌توانی ببینی‌شان. هر چه قدر هم صمیمیت بین افراد زیاد باشد نمی‌شود بدون اجازه و باتصویر این که «ما چیزی نداریم از هم‌قایم کنیم» گالری عکس‌ها یا اطلاعات شخصی گوشی کسی را زیر نظر گرفت. شاید همه این موارد به نظرمان بدیهی بیاید ولی رعایت همین نکته‌های کوچک، از شخصیت ما و چهره خوب و قابل احترامی می‌سازد.

خیال‌بافی درباره احتمال وجود نسخه‌ای از مادر جهانی دیگر

جهان موازی چه شکلیه؟

مرجان ساعدی

دوره‌می

تا حالا فکر کردی اگر جهان موازی واقعیت داشته‌باشد، نسخه دیگری از تو در جهانی دیگر، چطور زندگی خواهد کرد؟ من دوست دارم تخیل کنم صبح، از ساعت ۱۰ که شروع می‌شود روایات‌ها کارهایم را انجام می‌دهند و من هم این طرف جلوی

همزادم، کجایی؟

نظر اشکان درباره جهان موازی شبیهه پر طرفدار ترین و ساده ترین الگوی کیهان‌شناسی است که ادعا می‌کند هر یک از ما همزادی داریم که در کهکشان‌ی حدود ۱۰ به توان ۲۸۰ متر دورتر از زمین، زندگی می‌کند: «من فکر می‌کنم توی دنیای موازی یک همزاد دارم که از لحاظ احساس و عواطف ممکن است مثل من باشد ولی از نظر اقتصادی یا اعتقادی فرق کند. شاید زندگی بدوی داشته‌باشم یا مثلا در زمان جنگ جهانی اول باشم. به‌نظم مشغول ساخت و تعلیم روبات‌های انسان‌نما هستم تا در جنگ از آن‌ها استفاده کنم که تلفات انسانی کمتر بشود. شاید هم دارم ژن آدم فضایی‌ها را با انسان ترکیب می‌کنم تا به کشف‌های علمی جدیدی برسم. به‌نظر من در جهان موازی آدم‌ها نقاب می‌زنند و در مکان‌ها و شرایط مختلف، جسمی یکسان ولی شخصیت‌های متفاوت دارند.

همچنین شاید رنگ چشم یا مثلا مدل بینی‌شان را خودشان انتخاب کنند و بتوانند به‌راحتی هر جا که اراده می‌کنند، بروند.»

آدم فضایی‌ها هم می‌جنگند؟

بعضی‌های می‌گویند برای رسیدن به جهان موازی باید بر محدودیت‌های سه‌بعدی خودمان فایق بیا ییم تا چنان بر ابر ابعاد فضایی تاثیر بگذاریم که توانایی ورود به غشایی دیگری را به دست آوریم. رضا اما معتقد است در جهان موازی، رفتن از بُعدی به بعد دیگر، به‌راحتی آب خوردن است: «در جهان موازی می‌توانیم به هزاران سال قبل برگردیم و به‌بعد دیگری سفر کنیم. باید شهر پیشرفته‌ای در علم هوا و فضا وجود داشته‌باشد که به‌عنوان یک شهر بین‌المللی در کهکشان راه شیری قرار گرفته و محل رفت‌وآمد موجودات فضایی است. به‌نظر من، قدرت طلبی انسان آن‌جا هم دست از سرمان بر نمی‌دارد و شاید شاهد جنگ‌های فضایی باشیم».

جهان روبات‌های باهوش مطیع

امیرحسین، ترجیح می‌دهد جهان موازی را به‌شکل دنیای رویایی خودش تصور کند. چرا که نه؟ بین این همه فرضیه درباره جهان موازی، نظریه که ما در کش شنیدنی است: «به‌نظر من جهان موازی در کلیات، مثل جهان ما هستند و فقط در جزئیات متفاوت‌اند. مثلا احتمالا خیلی پیشرفته‌تر از ما روی کره زمین باشند. درباره علم پزشکی، حداقل هزار سالی از الان ما جلو ترند چون به‌ر حال هوش مصنوعی پیشرفت کرده است و روبات‌ها به‌ندگی بهتر انسان‌ها کمک می‌کنند. کار من هم آن‌جا این است که با هوش مصنوعی به روبات‌ها آموزش می‌دهم؛ «به‌مانع که رسیدی، بپر!» فکر کنم آن‌ها از دستور اتم پیروی کنند، البته نمی‌شود همیشه انتظار اتفاق خوب را داشت. در دنیای موازی شاید بتوانیم ظاهرمان را خودمان انتخاب کنیم

مثل آواتار».



عکاس و ویرایش: محمد پور، نورنگا

عجایب

موتور کاناپه‌ای هم رسید

حتما قبول دارید که کاناپه اساسا برای سکون و لم دادن است. طبیعی است کسی روی کاناپه لم نمی‌دهد که با آن دور شهر را بگردد! ولی جالب است بدانید عده‌ای این کار را با ساخت کاناپه‌های موتوری انجام داده‌اند. سازندگان کاناپه موتوری می‌گویند این وسیله نقلیه راحت‌شان تا سرعت ۶۵ کیلومتر بر ساعت هم می‌تواند سرعت بگیرد، در ضمن به سیستم صوتی و خشک‌کننده نوشیدنی هم مجهز است. پس می‌توان گفت با این کاناپه‌ها می‌توانید وارد شهر شوید و در حالی که به‌راحتی لم داده‌اید شهر را بگردید!



رستوران آتشفشانی

وقتی حرف از آتشفشان می‌شود احتمالا همه‌مان گدازه‌های آتشین و جشتناکی را تصور می‌کنیم که از کوه تا فاصله‌های دوری پرتاب می‌شود ولی بیدار است تا حالا فکر کرده‌باشیم با گرمای آتشفشان می‌شود غذا پخت. اما این ایده عجیب در رستورانی اسپانیایی به یک اتفاق واقعی تبدیل شده است. این رستوران در جزایر قناری قرار دارد و از حرارت درون آتشفشان که حدود ۵۰۰ درجه دما دارد برای کباب کردن گوشت و ماهی استفاده می‌کند. اجاق رستوران که از حدود ۹ طبقه سنگ آتشفشانی ساخته شده، از حرارت خارج شده حفره‌ها و سوراخ‌ها برای تامین گرما استفاده می‌کند. البته این آتشفشان حدود ۲۰۰ سال است که فعالیتی ندارد و خطری مشتریان را تهدید نمی‌کند.

منابع: عصر ایران، روز پلاس

رفقا سلام!

حدود ۶۰ سال پیش که شخصیت ابرقهرمانی اسپایدرمن رو نمی‌کرد که این همه عمر کنه و پِر طرفدار بشه و راهش رو به همه‌جای دنیا باز کنه. حالا آخرین سری سینمایی این مجموعه به اسم «مرد عنکبوتی: بازگشت به خانه» اکران شده و ببووم! حسابی فروخته و رکورد فروش جابه‌جا کرده، همون طوری که ازش انتظار می‌رفت. هوادارهای مرد عنکبوتی! ما رو در شادی خودتون شریک بدوینید!

یک شنبه‌ها
سه شنبه‌ها
پنج شنبه‌ها

منتظر نقد و نظر، قصه و طرح‌های شما هستیم.
نمابر پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۳۳۴۰۰۰



مینی مهارت

بفرمایید مونت کریستو!

اسم غذا را ببین! چه قدر شیک هستیم ما! برای درست کردن این میان وعده جذاب که البته اگر خیلی شکمونباشید حکم شام را هم دارد، به چندتاتان تست، چند ورق ژامبون و پنیر گودا نیاز دارید. مراحل اولیه‌اش فرقی با درست کردن ساندویچ سرد معمولی ندارد. روی نان، کمی سس مایونز بزنید بعد یک لایه پنیر و بعد هم یک ورق ژامبون. این لایه‌ها را تا سه یا چهار مرحله تکرار کنید. پنیر، حجیم و پر کالری است و اگر نمی‌خواهید ساندویچ‌تان زیادی سنگین شود، لایه‌ها را زیاد نچینید. بعد از این مرحله، کل ساندویچ را با دست کمی فشار بدهید تا مواد به هم بچسبند. حالا بروید سراغ مایع جادویی؛ دوتا سفیده تخم‌مرغ، نصف پیمانه شیر و قدری نمک و فلفل را خوب با هم مخلوط کنید. مونت کریستو

را چندتاییه‌ای توی مایع فرو ببرید.

ساندویچ‌ها را توی سینی فر

چرب شده، بچینید. فر را روی

۲۲۰ تنظیم کنید. هر سمت

ساندویچ، ۵ دقیقه زمان لازم

دارد. مراقب انگشت‌های‌تان

باشید!

آثار شما

جمعه

آیدا پاکزاد | ۱۶ ساله



شهر بی حوصله بود و غزلی ناب نداشت
لیک عالم ز غمت ثانیه‌ای خواب نداشت
می‌چکد خون ز دل و دیده‌من آب نداشت
بی‌تو این شهر دگر بر توی مهتاب نداشت
از برای فرج عده‌ای اصحاب نداشت؟

محمد بهبودی‌نیا | دوست گرمی سلام! شعر زیبای شما را خواندم و لذت بردم. اولین نکته‌ای که بعد از خواندن‌اش به ذهنم رسید، تسلط شما بر وزن و قافیه بود. شما با توجه به سن و سال‌تان آشنایی خوبی با وزن و قافیه دارید که قابل تحسین است و می‌توان این تسلط را در سرودن شعر به فال نیک گرفت. اما چند نکته در شعر شما وجود دارد که باید برای پیشرفت شعر‌تان بیشتر به آن‌ها توجه داشته‌باشید. اول این که در شعر شاعران امروز دیگر از کلماتی مانند «لیک»، «ز»، «از برای»، «هجر» و «دگر» استفاده نمی‌شود همان‌طور که در صحبت‌های روزانه از این کلمات استفاده نمی‌کنیم. نکته دوم این است که استفاده از آرایه‌های ادبی مثل تشبیه، استعاره و دیگر صنایع ادبی در شعر شما چندان به چشم نمی‌خورد و باید در این زمینه توجه بیشتری داشته‌باشید تا اثر شما از یک شعر معمولی به شعر دلنشین‌تر تبدیل شود. سوم این که نکته‌درباره شعر این است که در مصرع آخر «از برای فرج عده‌ای اصحاب نداشت؟» افزون بر گنگ بودن مفهوم، شاهدنوعی ناهماهنگی در وزن هستیم. با توجه به این نکات، شاهد شعری زیباتر خواهیم بود. خانم آیدا پاکزاد! بی‌شک شما دارای ذوق و قریحه خوبی در زمینه سرودن شعر هستید و ما امیدواریم در سال‌های آینده شعرهای بیشتری از شما بخوانیم. منتظر آثار دیگر شما هستیم. شاعر باشید و ماندگار.

شما هم می‌توانید آثار‌تان شامل داستان، شعر، عکس و... را به شماره‌های بالای صفحه بفرستید. ✓

باتلزار

آب بالاخره آبی است یا بی‌رنگ؟

مریم ملی | روزنامه نگار

توی دریا آبی است، توی لیوان من و شما بی‌رنگ. تازه توی همه دریاها هم یک‌رنگ نیست، یک جاییلی است یک جایی تیره. تکلیفش با خودش روشن نیست ولی وقتی درباره‌اش می‌خوانید، می‌بینید که بی‌رنگ معرفی‌اش کرده‌اند. ما روشی که برای تعیین رنگ آب به کار رفته چه بوده است؟ از کجایم دانیم آب واقعا آبی است یا بی‌رنگ؟ دانشمندان برای این که رنگ یک ماده را تعیین کنند با روشی خاص به آن نور سفید می‌تابانند. در این حالت آب، رنگ آبی ملایم و تقریبا محوی از خود نشان می‌دهد. البته حواس‌مان باشد که منظور ما از رنگ آب، آب خالصی است که هیچ ماده‌ای در آن حل نشده‌باشد. ممکن است رنگ دریاها، دریاچه‌ها و رودها بر اثر محلول شدن مواد مختلف به رنگ‌های متفاوت دیده شود. خب اگر بخواهیم کمی دقیق‌تر ماجرای رنگ آب را بدانیم باید این ویژگی آب را بشناسیم؛ آب دارای ضریب شکست است. یعنی نور با مقداری انحراف، درون آب به مسیرش ادامه می‌دهد. طول موج‌ها در داخل آب رفتار متفاوتی باهم دارند یعنی رنگ‌های با طول موج کمتر روی آب باقی می‌مانند و رنگ‌های با طول موج بیشتر به زیر آب منتقل می‌شوند.

مثلا رنگ قرمز، سریع‌تر وارد اعماق دریاها می‌شود تا رنگ آبی. رنگ بنفش هم که توسط لایه‌ای از گرفته می‌شود. پس رنگ‌های نیلی و آبی و سبز که طول موج کمتری دارند روی آب باقی می‌مانند.

در بین این‌ها چون نیلی و آبی طول موج کمتری دارند بیشتر روی آب می‌مانند به همین دلیل دریاها و ابرها به رنگ نیلی و آبی دیده می‌شوند.

